

### متن پرسش

سلام علیکم: بسم الله الرحمن الرحيم. امیرالمومنین علیه السلام «رأس الاستبصار الفكرة» اساس بینایی فکر کردن و تأمل است چه زیبا فرمود مولای متقیان و امیر بیان که اساس و بنیاد و ریشه ی بینایی و بصیرت تامل و فکر است، و مگر جز این است که آنانی که امروز از درک و فهم حماسه ی طوفان الاقصی درکی ندارند به دلیل عدم تامل در درک زمان و تاریخی است که به میان آمده است؟! بصیرت، مسأله ی فهم زمانه ایست که انسان ها می خواهند با درک آن تاریخ خودشان را بسازند و اگر این فهم صورت نگیرد از انباشت علم های متراکم و مدرک و مقالات روی هم فقط ثروت اطلاعات حاصل می شود و نه درک و فهم تاریخی که زیست انسانی بشر را تغییر دهد! امروز غزه موضوع تفکر اندیشمندان شده است تا آنکه بتوانیم برای فردای تاریخ و انسانی که به شدت از پوچی و افسردگی خسته شده است و توهم و خیالات روزمره ی زندگی دنیا جای تامل و تفکر را از او ربوده است و جامعه ای که از تفکر روی بگرداند گریزی از پریشانی ندارد و ریشه ی احوال پریشان روزگار تاریخ بشر هم جز این نیست که بیش از آنی که پیرامون خود و زندگی و نسبت اش با تاریخ امروز فکر کند خود را مشغول پرنده ی خیالی کرده است که برای فرار از روزمرگی ها از این شاخه به آن شاخه می پرد بی آنکه بداند فردای زندگی اش چه ربطی با تفکر در وضعیت امروزینش دارد! ما در تاریخ انقلاب اسلامی با ایام گوناگونی روبرو شدیم که بابی و فتوحی برای گشودگی تفکر در میان انسان ها شد از دفاع مقدس، از جریان های گوناگون از مشکلات و مصایب مختلف در ادوار و اطوار این انقلاب و از فتنه ها و از شکوه ایام الهی که بر ما رو کردند از تشیع شهدا و... امروز با حماسه ی غزه باز هم بابی از تفکر و تأمل بر ما گشوده شد تا بیش از پیش خود را در آینده ی قلمرو اسلام حاضر بینیم و تفکر را بستر حضور در حقیقت بدانیم نه صرفا حرکت از مسأله ی مجهول برای کشف معلوم که البته آن هم از مصادیق تفکر است اما حضور در واقعیت و حقیقت تفکر در عالی ترین نحوه ی بودنی است که انسان می تواند در زمانه ی خود حاضر باشد. اساسا انسان هایی که خود را از اندیشیدن پیرامون آنچه با غزه پیش آمده است روبرو نمی‌کنند و با آن مواجه نمی شوند و طلبی که باید را از پیش آمد تاریخی امروز ندارند جز پریشانی و سردرگمی حاصلی نخواهد بود ولو اندیشمند ترین انسان ها باشند یا با فضیلت ترین و اخلاقی ترین آدم های عصر خود.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر به گفته هایدگر: «تاریخ، اعصار وجود است» و ما وجود را که همان

حقیقت است در عین هویت قدسی در هر مقطعی از تاریخ وجهی از آن را ملاحظه می‌کنیم و او خود را در دل تاریخ با جلوات و اسماء حسنی خاصی می‌نمایاند تا انسان‌ها با نور توحیدی که در تاریخ‌شان ظهور کرده، نسبت خود را با خدا در آن تاریخ بیابند؛ آری! اگر تاریخ اعصار وجود است و ما در انقلاب اسلامی حضور خدا را تجربه کردیم ولی پس از مدتی با روزمره‌گی‌ها از روح انقلاب فاصله گرفتیم و عملاً از او که معنای ما بود، فاصله گرفتیم؛ در همان راستا انقلاب با حاضرشدن در تاریخی که با غزه به ظهور آمده، حضور بیشتری را به میان آورد و ما در واقع وجه متعالی انقلاب اسلامی را که از آن غفلت کرده بودیم، در منظر خود می‌یابیم. غفلت از حقیقتی که به سوی ما آمده تا ما را در معنایی بسی اصیل‌تر وارد کند. این است آنچه ما در غزه می‌یابیم و این اندازه احساس یگانگی با آن داریم. موفق باشید.